

۹۹,۵,۸

پدر

فرشته طریقی

(کوشک جلالی)

سرشناسه : طریقی، فرشته (کوشک جلالی)، ۱۳۲۶-
 عنوان و نام پدیدآور : پدرافرشته طریقی (کوشک جلالی)، ویراستار عباس کوشک جلالی.
 مشخصات نشر : تهران: فراروان، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص.
 شابک : 978-600-8283-49-2
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۵۲
 رده بندی دیویی : ۸۱۶۲/۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۸۳۷۱۹

پدرا

فرشته طریقی (کوشک جلالی)

ویراستار: عباس کوشک جلالی

چاپ اول ۱۳۹۹، شمارگان ۲۰۰، فراروان

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۳-۴۹-۲

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

انتشارات فراروان: تهران، تلفن ۶۶۴۳۷۷۵۳ و ۶۶۹۲۱۳۷۸ نمابر ۶۶۹۰۰۲۹۹

کتابکده فراروان: خ ستارخان، پل یادگار امام، بازار سنتی، فاز ۱، شماره ۱/۱۱۸

تلفن ۱۷-۴۴۲۴۶۷۱۵ نمابر ۴۴۲۴۶۷۱۴

info@fararavan.com

قیمت ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱	در من حاودانه‌ای
۴	عطّ تنّات
۵	صبر کن
۷	جای پای تو
۱۱	آتش عشق
۱۲	غزال
۱۳	خواب دیدم
۱۸	طوفان
۲۲	برگریزان
۲۱	تو نیستی که ببینی
۲۰	وصل تو را می‌خواهم
۲۷	چه خوب آمدی
۲۹	جشن خوشه‌چینی
۳۲	قلبم به آتش سوخته

۳۳	زیر باران
۳۵	فصل جدایی
۳۸	دوری
۳۹	از من بگذر
۴۱	دادرس
۴۲	دردی نهفته به سینه
۴۴	سفر کرده
۴۵	خاتم روشن نیست
۴۷	ارامگاه من
۴۹	شعنی کسم
۵۱	چشم در راهم دارم
۵۴	تو کجایی ای دوست
۵۵	می نویسمات
۵۷	اسمات آزادی ست
۶۱	معجزه ی سکوت
۶۴	سفر
۶۵	چراغ خاموش
۶۷	ای دوست
۶۹	زندگی
۷۰	مادر
۷۱	گل شالیزار

۷۴	تو
۷۵	شعله خاموش
۷۶	ستاره‌ی تابان
۷۷	رقص درختان
۷۹	دشت‌های بی‌آب
۸۲	شوق
۸۳	ای سنی جانم
۸۵	بگذار بمانم
۸۷	به یادم ای من
۸۹	بهانه‌ام هوس من
۹۱	روح‌نواز
۹۲	کلبه‌ای می‌خواهم
۹۴	گریز از تو
۹۶	باغ خیال
۹۹	حقیقت
۱۰۰	صبح نزدیک است
۱۰۱	همیشه با من است
۱۰۳	قربانی
۱۰۶	مرثیه باغ
۱۰۸	سحر
۱۰۹	ای ساقی

۱۱۰	اشکام روانه بود
۱۱۲	کجا دیدم ترا؟
۱۱۴	چشم در راه
۱۱۵	جشن رهایی
۱۱۷	یاد تو
۱۱۸	تصویر زیباییت
۱۲۰	شعرمان باهم
۱۲۴	شیر
۱۲۵	شیرین
۱۲۶	باد
۱۲۷	چتری برای غم
۱۳۰	پدر
۱۳۲	اشک‌هایم
۱۳۵	دوست‌نما
۱۳۶	به تو می‌پیوندم
۱۳۸	می‌گریزم ز دیار غم‌ها
۱۴۰	خواهم آمد
۱۴۱	غبار شیشه
۱۴۲	وقتی که تو می‌رقصی
۱۴۴	صدای وهم
۱۴۵	بار گران

۱۴۸	سیاهی
۱۴۹	دیدار
۱۵۱	فریاد
۱۵۳	نگین کهنه
۱۵۵	نی لبک
۱۵۷	زمین لرزه
۱۶۱	لاله زار
۱۶۳	درخت پیر
۱۶۷	تکرار گریهات
۱۶۹	هیاهوی بی سد
۱۷۰	کارون بی آب
۱۷۲	از تو شهاب می شرم
۱۷۳	فرار از سکوت
۱۷۵	تولد
۱۷۷	نازدانه
۱۸۱	ابر سیاه

مقدمه

کتاب "پدر" نیز به همت منیر عزیزم با زحمات بسیار زیاد و سختی‌های فراوان به دست‌تان می‌رسد. وقتی تصمیم به چاپ این کتاب گرفتم که زمان زیادی از انتشار کتاب‌های میلاد و زمزمه‌های شبانه گذشته بود. در این مدت ماجراهای بسیاری را تجربه کردم و بیماری قلبی‌ام شدت پیدا کرد. سومین عمل قلب‌ام در همین زمان در شهر کلن (آلمان) انجام شد. روزهای بسیار سختی برای خانواده و بخصوص همسرم بود. او در لحظه‌های نگرانی و اضطراب‌های شبانه‌روزی این شعر را سرود که چکیده همه‌ی دردها، انتظارها و ناامیدی‌هایش بود. این شعر را با هم بخوانیم:

طعم شیرین بدنات
در سربی زمین گم شده
و من
شتابان به دنبال رویاها می‌گردم.

تو در کدام خلوت شب آرمیده‌ای
که من

با دیدگان اشکبار
به دنبال آرزوهایم و نمی‌یابمت؟

سال‌ها گشتن و من
در آرزوی دیدن آیت
هر سوی سرمی‌کشم.

تو از سرزمین سرخ‌گل‌های بهاری آمده بودی
و من
پائیزی بودم پرباد و سرد.

در التهاب سرد زمین
افسردگی‌ام را فرونشاندی
و شادی و امید به ارمغان آوردی.
و اکنون

من در جاده‌ای پرپیچ و خم

پیشان و راه گم کرده‌ام.

چرا نمی‌آیی و سرم را بر سینه‌ات نمی‌فشاری ای یار؟
ای نگار گم‌گشته سال‌های خوشبختی‌ام.

سینه‌ام آرزوی دستان تو را دارد.

بعد از کمی آرامش تصمیم به آماده کردن و چاپ کتاب‌های
جدیدم (که طی این سال‌ها نوشته بودم) کردم، ولی متأسفانه
دوباره تمام دچار اشکال شد و چند هفته‌ای در بیمارستان
بودم و یثرب قلبی را پشت سر گذاشتم.

پس از چاپ کتاب‌های اول و دوم، از راه شبکه‌های اجتماعی
گوناگون با دوستان بسیاری از جمله در ایران آشنا شدم؛
کسانی که ذوق سرودن را در خون می‌کردند.

در سفرهایی که به ایران داشتم به دست عزیزانی که از راه
فیسبوک شناخته بودم، برنامه‌هایی تدارک دیده شدند و در
این نشست‌ها با انسان‌هایی بسیار مهربان، فرهیخته و بازنین
آشنا شدم. این کتاب و اشعارش را به مهربانی و لطف این
عزیزان تقدیم می‌کنم.

چند خطی نیز در باره خودم:

فرشته طریقی / کوشک جلالی هستم، ساکن شهر کلن
آلمان. مادر چهارفرزند و مادر بزرگ پنج نوهی عزیز. بر این
نظرم که انسانی مثبت‌اندیش‌ام و تاکنون همواره کوشیده‌ام
در مقابل سختی‌ها مقاوم و بردبار و کوشا باشم. فکر می‌کنم
تا حدی به نتیجه مطلوب نیز رسیده‌ام.

قلب ناتوانم همواره سرشار از عشق و دوستی‌ست. به همه
انسان‌ها عشق می‌ورزم و برای تک‌تکشان بهترین آرزوها را
دارم. همسرم را عشقه دوست می‌دارم و این عشق متقابل
است که به من نیروی زندگی و سرودن می‌دهد. و تمام
لحظه‌هایم پر است از ذرات عشق به فرزندان و نوه‌های عزیزم
و یاد پدری که هر آن‌چه دارم از او است.

دنیای من دنیایی پر از رنگ‌های زیبا، پرندگان، بال‌هایی
رنگین و جنگل‌هایی سبز و رودهایی پرآب است. رفتی از
دنایم بیرون می‌آیم طاقت دیدن و شنیدن اخبار جنگ و
آوارگی‌ها را ندارم. از دیدن و شنیدن اوضاع نابسامان جهان
بیش از حد درد می‌کشم و این رنج مرا به آستانه نیستی
می‌کشاند.